

روح نبوت: هدایت و تعلیم دادن

دو لوح حقوق

Jeff Pippenger

2012-10-15

دو لوح حقوق ۳ از ۹۵

مقدمه: بنیاد دو لوح حقوق

این مجموعه «دو لوح حقوق» نام دارد. تاکنون، ما برخی حقایق را از نمودارهای ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ برگرفته‌ایم؛ نه برای آن که در این مرحله از آن‌ها به‌طور کتاب مقدسی دفاع کنیم، بلکه برای آن که ثابت سازیم ال وایت این حقایق را تأیید می‌کند. ادعای ما این است که اگر این حقایق بنیادی را رد کنید، در همان حال روح نبوت را نیز رد می‌کنید. ما می‌خواهیم نخست این مطلب در ثبت و ضبط قرار گیرد.

مروری بر تاریخ میلری و فریاد نیمه‌شب

در نخستین ارائه خود، تاریخ میلری‌ها را، یعنی نشانه‌های راه از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، ترسیم کردیم. در آخرین ارائه خود، تاریخ از زمان تأخیر تا بسته شدن در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را با دقت بیشتری بررسی کردیم و آن زمان را «فریاد نیمه‌شب» شناسایی نمودیم. «فریاد نیمه‌شب» در گردهمایی اردویی اکستر، ۱۲ تا ۱۷ اوت ۱۸۴۴، وارد تاریخ شد و تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ ادامه یافت. زمان تأخیر، که در مارس ۱۸۴۴ آغاز شد، بخشی از «فریاد نیمه‌شب» و فرایند پالایش است که قومی را برای اعلام پیام آن آماده ساخت.

امید داشتیم که دیروز این مطلب را در دل‌ها و ذهن‌های شما استوار سازیم. تمامی نمونه‌های اوقات درنگ در کلام خدا درباره پایان جهان سخن می‌گویند. ال وایت، در شرح 1 Corinthians 10:11، می‌گوید: «هر یک از انبیای باستان، بیش از روزگار خود، برای روزگار ما سخن گفته‌اند.» در 1 Corinthians 10:11 آمده است: «all these things happened unto them for ensamples: come and they are written for our admonition, upon whom the ends of the world are come» تاریخ میلری‌ها تاریخی است از آنچه در پایان جهان به وقوع خواهد پیوست. تمامی این تاریخ‌های کتاب مقدسی مربوط به زمان درنگ و آنچه در پی آن می‌آید، آنچه را که در زمان درنگ میلری‌ها و در فریاد نیمه‌شب به وقوع می‌پیوست، به تصویر می‌کشند. لازم است این امور را درک کنیم، زیرا تاریخ قرار است تکرار شود.

۲۵۲۰: تأیید ال وایت

ما با نخستین موضوع در این نمودارها سروکار داشته‌ایم، هرچند چندان به آن اشاره نکرده‌ایم. نخستین آموزه‌ای که می‌خواهیم نشان دهیم ال وایت به‌روشنی آن را تأیید می‌کند، 2520 است. دو ارائه نخست برای آن طراحی شده بودند که ما را به اینجا رهنمون شوند. فردا صبح، بررسی «مداوم» را در این نمودار آغاز خواهیم کرد.

به‌یاد آوردن هدایت و تعلیم خداوند

بیاپید با Life Sketches، صفحه 196 آغاز کنیم: «ما برای آینده هیچ چیز برای ترسیدن نداریم، مگر آنکه راهی را که خداوند ما را در آن هدایت کرده است، و تعلیم او را در تاریخ گذشته‌مان، از یاد ببریم.» تنها چیزی که یک مسیحی برای آینده باید از آن بترسد، این است که از راه منحرف شود و هلاک گردد. آنچه

باید از آن بیم داشت، به دست نیاوردن حیات جاودان است. در اینجا، خواهر وایت می‌گوید که ما برای آینده جز از دو چیز، چیزی برای ترسیدن نداریم. این عبارتی شناخته شده در روح نبوت در ادونتیسیم است، اما به ندرت می‌شنوید کسی توضیح دهد که او به کدام هدایت و کدام تعالیم اشاره می‌کند.

نشان خواهیم داد که آن رهبری‌ای که او بدان اشاره می‌کند، همان تاریخچه فریاد نیمه‌شب است. در تاریخچه فریاد نیمه‌شب، مسیح در زمان تأخیر، در فرا رسیدن و اعلام فریاد نیمه‌شب، و در بسته شدن در در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ رهبری می‌کرد. او آن تاریخ را چنان تدبیر کرد تا قومی پدید آورد که بتوانند با ایمان همراه با او به قدس‌الاقداس وارد شوند. ما باید بتدریج از اینکه آن تاریخ خاص، و نیز تعالیم او را، از یاد ببریم.

نشان خواهیم داد که تعلیمی مشخص وجود داشت که فریاد نیمه‌شب را پدید آورد. آن تعلیم، نه فروپاشی امپراتوری عثمانی در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ بود، و نه حالت مردگان، که در تاریخ پیام فرشته دوم در تاریخ میلری مطرح شد. بلکه آن، تعلیمی مشخص در تاریخ میلری بود که فریاد نیمه‌شب را پدید آورد؛ جایی که خداوند هدایت کرد، و ما برای آینده هیچ چیز برای ترسیدن نداریم، مگر آنکه هدایت او و تعلیم او را از یاد ببریم.

ما پیشنهاد می‌کنیم که نماد هم رهبری او و هم تعلیم او، فریاد نیمه‌شب باشد. بیاید این بخش از نخستین رؤیای الن وایت را بار دیگر بخوانیم: «در این مسیر، قوم ادونتیسیت به سوی شهری که در انتهای دور مسیر قرار داشت، در حرکت بودند. در آغاز مسیر، نوری درخشان در پشت سر ایشان برپا شده بود که فرشته‌ای به من گفت آن فریاد نیمه‌شب است. این نور در سراسر مسیر می‌تابید و برای پاهای ایشان روشنایی می‌بخشید تا مبادا بلغزند. اگر چشمان خود را بر عیسی، که اندکی پیشاپیش ایشان بود و آنان را به سوی شهر رهبری می‌کرد، ثابت نگاه می‌داشتند، در امان بودند. اما به زودی برخی خسته شدند و گفتند شهر بسیار دور است و انتظار داشتند پیش از این به آن داخل شده باشند. آنگاه عیسی با بلند کردن بازوی راست جلال‌آمیز خود، ایشان را دلگرم می‌ساخت، و از بازوی او نوری بیرون می‌آمد که بر فراز گروه ادونتیسیت به اهتزاز درمی‌آمد، و آنان فریاد می‌زدند: "هللویا!" برخی دیگر با بی‌پروایی نوری را که پشت سر ایشان بود انکار کردند و گفتند آن خدا نبود که آنان را تا اینجا هدایت کرده بود.»

آنان بانگ نیمه‌شب را انکار می‌کنند، و در پیوند با بانگ نیمه‌شب استدلال می‌آورند که خداوند در بانگ نیمه‌شب ایشان را هدایت نمی‌کرد. آنان هدایت خدا را در بانگ نیمه‌شب انکار می‌کنند. «نوری که پشت سر ایشان بود خاموش شد، پاهایشان را در تاریکی کامل وانهاد، و ایشان لغزیدند و نشان و عیسی را از نظر گم کردند، و از راه به زیر، به سوی جهان تاریک و شریب زبرین، سقوط کردند.»

فریاد نیمه‌شب در بستر زمینه خود

ما بار دیگر به تاریخ ندای نیمه‌شب خواهیم نگرست تا پیش از پرداختن به 2520، آن را در جایگاه درست خود قرار دهیم.

از «نبرد عظیم»، صفحات ۳۹۱-۳۹۵: «هنگامی که زمانی که نخست انتظار می‌رفت خداوند در آن بیاید، در بهار ۱۸۴۴، سپری شد» — این همان زمان تأخیر، نخستین یأس است — «آنان که با ایمان در انتظار ظهور او بودند، مدتی در شک و بی‌اطمینانی گرفتار شدند. در حالی که جهان آنان را چنان می‌نگریست که گویی به کلی شکست خورده‌اند و ثابت شده است که فریبی را در آغوش می‌پرورانده‌اند، سرچشمه تسلای ایشان همچنان کلام خدا بود. بسیاری همچنان به جست‌وجوی کتب مقدس ادامه دادند، دلایل ایمان خود را از نو بررسی کردند و نبوت‌ها را با دقت مطالعه نمودند تا نور بیشتری به دست آورند.»

اگر بسیاری چنین کردند، این بدان معناست که برخی نیز چنین نکردند. نمی‌گوید «آنان»؛ بلکه می‌گوید «بسیاری» — در اینجا دو طبقه وجود دارد. «شهادت کتاب مقدس در تأیید موضع آنان روشن و قاطع به نظر می‌رسید. نشانه‌هایی که نمی‌شد در آن‌ها اشتباه کرد، به آمدن نزدیک مسیح اشاره داشت. برکت خاص خداوند، هم در توبه گناهکاران و هم در احیای حیات روحانی در میان مسیحیان، گواهی داده بود که این پیام از آسمان است. و هرچند ایمانداران نمی‌توانستند علت نومیدی خود را توضیح دهند، یقین داشتند که خدا آنان را در تجربه گذشته‌شان هدایت کرده است.

درهم‌تنیده با نبوت‌هایی که ایشان آن‌ها را مربوط به زمان آمدن ثانوی می‌دانستند، تعالیمی نیز وجود داشت که به‌گونه‌ای خاص با حالت عدم یقین و تعلیق آنان سازگار بود و ایشان را تشویق می‌کرد تا با شکیبایی در ایمان انتظار بکشند که آنچه اکنون برای فهمشان تاریک است، در وقت مناسب روشن خواهد شد.

در آن بند آمده است: «درهم‌تنیده با نبوت‌هایی که آنان آن‌ها را ناظر به زمان ظهور ثانوی می‌دانستند» آنان کدام نبوت‌ها را معتقد بودند که بر ظهور ثانوی انطباق دارد؟ 2300، 2520، و 1335. آنان بر این باور بودند که هر سه این نبوت‌های زمانی در سال 1843 به پایان می‌رسند، و آن همان ظهور ثانوی بود.

از جمله این نبوت‌ها، نبوت حیقو ۱: ۲-۴ بود: «بر دیده‌بانی خود خواهم ایستاد، و بر برج قرار خواهم گرفت، و خواهم نگریم تا ببینم او به من چه خواهد گفت، و چون توبیخ شوم چه پاسخ خواهم داد. و خداوند مرا پاسخ داد و گفت: رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها آشکارا ثبت کن، تا هر که آن را می‌خواند بدود. زیرا رؤیا هنوز برای زمانی معین است، اما در پایان سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد گفت؛ اگرچه درنگ کند، منتظرش باش، زیرا یقیناً خواهد آمد و تأخیر نخواهد نمود. اینک، جان آن که متکبر شده است در او راست نیست؛ اما عادل به ایمان خود زیست خواهد نمود.»

از همان اوایل سال ۱۸۴۲، رهنمودی که در این نبوت داده شده بود تا «رؤیا را بنویس، و آن را بر لوح‌ها آشکارا ثبت کن، تا هر که آن را می‌خواند بدود»، به چارلز فیچ چنین القا کرد که برای توضیح رؤیاهای دانیال و مکاشفه، جدولی نبوی تهیه کند. انتشار این جدول، تحقق فرمانی دانسته شد که به حیقو داده شده بود. با این همه، در آن زمان هیچ‌کس متوجه نشد که در همان نبوت، تأخیری ظاهری در تحقق رؤیا — زمانی برای درنگ — نیز مطرح شده است. پس از نومیدی، این آیه بسیار پرمعنا جلوه کرد: «زیرا رؤیا هنوز برای وقت معین است، اما در آخر سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد بود؛ اگرچه تأخیر نماید، منتظرش باش، زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد. . . . اما عادل به ایمان خود زیست خواهد نمود.»

نمودار ۱۸۴۳ و روح نبوت

فرقی نمی‌کند که شما در کار منظم یا کار نامنظم مشغول باشید — اصطلاحاتی که الن وایت به ترتیب برای کار کنفرانسی و کار خودحمایتی به کار می‌برد. چه به خدمات پیشرو خودحمایتی در ادونتیسیم مراجعه کنید و چه به کنفرانس عمومی یا مؤسسه پژوهش‌های کتاب مقدسی، اگر از آنان درباره نمودار 1843 بپرسید، خواهند گفت: «بر روی این نمودار اشتباهات بسیاری وجود دارد.» آنان با الن وایت، که می‌گوید خداوند دست خود را بر «یک اشتباه» در برخی از ارقام این نمودار نگاه داشته بود، مخالفت می‌کنند.

اما آنان همچنین خود را در مخالفت با کلام خدا قرار می‌دهند. در حیقو آمده است که این رؤیا «... دروغ نخواهد گفت». رؤیایی که پیشگامان می‌بایست بر نمودار ۱۸۴۳ قرار دهند، و چنین نیز کردند،

تحقق حقوق ۲ است. این همان رؤیایی است که آنان می‌بایست بر این نمودار قرار دهند، و حقوق ۲ می‌گوید که این رؤیا «... دروغ نخواهد گفت». پس، هنگامی که می‌گویید این نمودار «پر از اشتباه» است، شما هم با روح نبوت و هم با کتاب مقدس مخالفت می‌ورزید.

بخشی از نبوت حزقیال نیز برای ایمانداران سرچشمه نیرو و تسلی بود: «و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: ای پسر انسان، این چه مَثَلی است که شما در سرزمین اسرائیل دارید و می‌گویید: ایام به درازا می‌کشد و هر رؤیا باطل می‌شود؟ پس بدیشان بگو: خداوند یهوه چنین می‌فرماید... ایام نزدیک است و تحقق هر رؤیا... من سخن خواهم گفت، و کلامی که من بگویم واقع خواهد شد؛ دیگر به تأخیر نخواهد افتاد.» «اهل خاندان اسرائیل می‌گویند: رؤیایی که او می‌بیند برای ایام بسیار آینده است، و او دربارهٔ زمان‌هایی دور نبوت می‌کند. بنابراین بدیشان بگو: خداوند یهوه چنین می‌فرماید؛ هیچ‌یک از سخنان من دیگر به تأخیر نخواهد افتاد، بلکه کلامی که گفته‌ام انجام خواهد شد.» حزقیال 12:21-25, 27, 28.

دو گروه از پرستندگان

توجه کنید که او دربارهٔ دو گروه از عبادت‌کنندگان سخن می‌گوید. او می‌گوید بسیاری، هنگامی که این نومیدی فرا رسیده، به مطالعه نبوت‌ها ادامه دادند، که نشان می‌دهد گروهی نیز بودند که ادامه ندادند. ما دربارهٔ تمایز میان این دو گروه، نور بیشتری خواهیم یافت.

تحقق حقوق ۱: ۲-۴ همین نمودار ۱۸۴۳ و نمودار ۱۸۵۰ است. حتی در خودِ حقوق، آیه ۴ می‌گوید که «عادل به ایمان خود زیست خواهد نمود» و نیز از آن‌که «دلش متکبر شده است» سخن می‌گوید. این آیه در حال توصیف دو طبقه از پرستندگان است. تاریخ فریاد نیمه‌شب دو طبقه از پرستندگان را پدید می‌آورد، و در حقوق به همین دو طبقه خطاب شده است.

در پاراگراف بعدی، پس از اشاره به حقوق ۲ و حزقیال، او یکی از طبقات را مشخص می‌سازد: «منتظران». منتظران چه کسانی هستند؟ آنان کسانی‌اند که دانیال ۱۲ را تحقق می‌بخشند: «خوشا به حال کسی که انتظار کشد و به ۱۳۳۵ برسد.» این طبقه، همان منتظران است.

منتظران، شادمان شدند، زیرا ایمان داشتند که او که پایان را از ابتدا می‌داند، در سراسر اعصار نظر افکنده و با پیش‌بینی نومیدی ایشان، کلمات شجاعت و امید به آنان عطا کرده بود.

خواهری با ما تماس گرفت که چند سالی بود در یکی از کشورهای اروپای شرقی مشغول خدمت بود. او اهل همان‌جا بود، به ایالات متحده مهاجرت کرده بود، و هنگامی که این پیام را درک کرد، دوباره بازگشت. او با مقاومت روبه‌رو شده است؛ به‌گونه‌ای که خانوادهٔ کلیسایی سابقش با رهبران در کشورش تماس گرفته‌اند تا «در را بر او ببندند.» اخیراً خداوند در را برای او گشود تا این پیام را با گروه‌ها در میان بگذارد.

او بامداد امروز تماس گرفت و در میان گذاشت که یکی از موانع، وسیلهٔ رفت‌وآمد بود. آنان برای سفر کردن و تعلیم دادن این پیام به یک خودرو نیاز داشتند، اما بودجهٔ لازم را در اختیار نداشتند. به محض آنکه به این مکان رسیدند، دوستانی از ایالات متحده، که از جانب خداوند برانگیخته شده بودند، به اندازهٔ کافی پول فرستادند تا خودرویی خریداری شود.

این همان نوع تجربه‌ای بود که برای مایوس‌شدگان رخ می‌داد. آنان مأیوس شده بودند، اما خداوند ایشان را به سوی کتب مقدس هدایت کرد تا تشویقشان کند و بگوید: «این مأیوسیت به هدایت من بود. فقط به پیش رفتن ادامه دهید.»

اگر چنین بخش‌هایی از کلام مقدس نبود که آنان را به صبر در انتظار کشیدن و به استوار نگاه داشتن اطمینان خویش به کلام خدا پند می‌داد، ایمانشان در آن ساعت آزمایش از میان می‌رفت.

مَثَل ده باکره و زمان تأخیر

توجه کنید که خواهر وایت چگونه مَثَل ده باکره را با حقوق ۲ پیوند می‌دهد، زیرا هر دو از زمانی تأخیر و از دو طبقه از عبادت‌کنندگان سخن می‌گویند.

«مَثَل ده باکره در متی ۲۵ نیز تجربه قوم ادونتیست را به تصویر می‌کشد. مسیح در متی ۲۴، در پاسخ به پرسش شاگردانش درباره نشانه آمدن او و پایان جهان، به برخی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ جهان و کلیسا از نخستین ظهورش تا ظهور دومش اشاره کرده بود؛ یعنی ویرانی اورشلیم، مصیبت عظیم کلیسا تحت آزارهای بت‌پرستانه و پاپی، تاریک شدن خورشید و ماه، و فرو افتادن ستارگان. پس از آن، او از آمدنش در پادشاهی‌اش سخن گفت و مَثَلی را نقل کرد که دو گروه از خادمان منتظر ظهور او را توصیف می‌کرد. باب ۲۵ با این کلمات آغاز می‌شود: «آنگاه ملکوت آسمان به ده باکره مانند خواهد شد.» در اینجا کلیسایی که در ایام آخر زندگی می‌کند، به نمایش گذاشته شده است—اکنون، او این را بر تاریخ میلری به کار می‌برد، اما توجه کنید که چه می‌گوید—«در اینجا کلیسایی که در ایام آخر زندگی می‌کند، به نمایش گذاشته شده است»—«کلیسایی که در ایام آخر زندگی می‌کند» کیست؟ آن ما هستیم.»

همان است که در پایان باب ۲۴ بدان اشاره شده است. در این مَثَل، تجربه ایشان با وقایع یک ازدواج شرقی به تصویر کشیده شده است. «آنگاه ملکوت آسمان مانند ده باکره خواهد بود که چراغ‌های خود را گرفته، برای استقبال داماد بیرون رفتند. و پنج تن از ایشان دانا بودند و پنج تن جاهل. آنان که جاهل بودند، چراغ‌های خود را گرفتند، اما با خود روغن برداشتند؛ لیکن دانایان با چراغ‌های خود در ظرف‌های خویش روغن نیز برداشتند. و چون داماد در آمدن تأخیر کرد، همه پینکی زدند و به خواب رفتند. و در نیمه‌شب ندایی برخاست که: اینک داماد می‌آید؛ برای استقبال او بیرون روید.»

آمدن مسیح، چنان‌که به وسیله پیام فرشته اول اعلام شده بود، چنین فهمیده می‌شد که با آمدن داماد نشان داده شده است. اصلاحات گسترده‌ای که تحت اعلام آمدن قریب‌الوقوع او پدید آمد، متناظر با بیرون رفتن باکره‌ها بود. در این مَثَل، همانند متی ۲۴، دو گروه معرفی شده‌اند. همه چراغ‌های خود، یعنی کتاب مقدس را، برداشته بودند و به نور آن برای ملاقات داماد بیرون رفته بودند. اما در حالی که جاهلان چراغ‌های خود را بی‌روغن برداشتند، خردمندان در ظرف‌های خود روغن نیز برداشتند. خردمندان فیض خدا، یعنی قدرت نوزا و روشنگر روح‌القدس را، دریافت کرده بودند؛ قدرتی که کلام او را چراغی برای پاهای ایشان می‌ساخت. آنان برای شناخت حقیقت، کتب مقدس را مطالعه می‌کردند و با جدیت در پی پاک‌سازی دل و زندگی بودند. ایشان تجربه‌ای شخصی و ایمانی به خدا و کلام او داشتند که نومیدی و تأخیر نمی‌توانست آن را واژگون سازد. دیگران از روی انگیزش و احساس حرکت می‌کردند، بر ایمان برادران خود تکیه داشتند، به عواطف نیک بسنده می‌کردند، اما از فهمی عمیق از حقیقت یا عمل حقیقی فیض بی‌بهره بودند. آنان برای تأخیر و نومیدی آماده نبودند. هنگامی که آزمایش‌ها فرا رسید، ایمانشان از پا افتاد و چراغ‌هایشان کم‌نور شد.

«در حالی که داماد تأخیر می‌کرد،»

داماد در چه زمانی تأخیر کرد؟ ۲۲ مارس ۱۸۴۴. او تأخیر می‌کند. اکنون چه رخ خواهد داد؟ این دو طبقه آشکار خواهند شد.

آنگاه که فریاد نیمه‌شب را فراموش می‌کنیم و از راه به جهان شریر زیرین فرو می‌افتیم، نشان می‌دهیم که انجیل را درک نمی‌کنیم. انجیل جاودانه، کار مسیح در پدید آوردن دو طبقه از پرستندگان است، بر اساس پیامی نبوی و آزماینده. از زمان تأخیر تا بسته شدن در، این اوج انجیل جاودانه است. در اینجا، خداوند در زمان تأخیر دو طبقه را برمی‌گیرد، در پی آن است که آنان را با خود به داوری رهنمون شود، و ایشان را از فرایندی آزماینده می‌گذراند تا ثابت شود که آیا حقیقتاً روغن دارند یا نه. این اوج کار مسیح در جدا ساختن زر از ناخالصی، گندم از علف‌های هرز، و دانایان از جاهلان است.

«چون داماد تأخیر نمود، همه پینک زدند و به خواب رفتند.» مقصود از تأخیر داماد، سپری شدن زمانی است که در آن انتظار آمدن خداوند می‌رفت، نومیدی، و تأخیری که به نظر می‌رسید. در این دوران عدم یقین، علاقه سطحی‌نگران و نیمه‌دل‌سپردگان به زودی رو به سستی نهاد و کوشش‌هایشان فروکش کرد؛ اما آنان که ایمانشان بر شناختی شخصی از کتاب مقدس استوار بود، صخره‌ای زیر پای خود داشتند که امواج نومیدی نمی‌توانست آن را بشوید و ببرد. «همه پینک زدند و به خواب رفتند»؛ یک گروه در بی‌اعتنایی و وانهادن ایمان خویش، و گروه دیگر با شکیبایی در انتظار تا نوری روشن‌تر عطا شود. با این همه، در شب آزمون، گروه اخیر نیز به نظر می‌رسید که تا اندازه‌ای غیرت و اخلاص خود را از دست داده باشند. نیمه‌دل‌سپردگان و سطحی‌نگران دیگر نمی‌توانستند بر ایمان برادران خود تکیه کنند. هر کس باید برای خود بایستد یا سقوط کند.

هنگامی که آن نومیدی فرا رسید، دو گروه به‌گونه‌ای متفاوت به خواب رفتند؛ اما حتی باکره‌های دانا نیز بخشی از غیرت خود را از دست دادند. خداوند در این امر رهبری می‌کرد، تا چون پیام فریاد نیمه‌شب در اجتماع اردویی اکستر اعلام شد، او کاری را در میان ایشان به انجام رساند.

فرایند آزمون: زمان درنگ و فریاد نیمه‌شب

از روح نبوت، جلد ۴، صفحه ۲۲۸: به یاد داشته باشید که این فرایند—فریاد نیمه‌شب، از زمان تأخیر تا بسته شدن در—همان آزمودن قوم خداوند به‌وسیله اوست. فریاد نیمه‌شب در گردهمایی اردویی اکستر، در اعلام آن تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، تنها بخشی از آن تاریخ است. این را نمی‌توان از زمان تأخیر جدا ساخت، زمانی که برای تأثیر فریاد نیمه‌شب در میان دو گروه عابدان آماده می‌سازد. شما باید فریاد نیمه‌شب را درک کنید، زیرا اگر چنین نکنید، از راه فرو می‌افتید.

خدا قصد داشت قوم خود را بیازماید. دست او اشتباهی را در محاسبه دوره‌های نبوی پوشانید. دست او، دست خداوند، خطایی یگانه را در محاسبه دوره‌های نبوی، به صیغه جمع، پوشانید. ادونتیست‌ها آن خطا را کشف نکردند، و نه دانشمندترین مخالفان ایشان آن را کشف کردند. دومی‌ها گفتند: «محاسبه شما از دوره‌های نبوی درست است. رویدادی عظیم در شرف وقوع است؛ اما آنچه آقای میلر پیش‌بینی می‌کند نیست؛ آن، ایمان آوردن جهان است، نه ظهور دوم مسیح.»

زمان انتظار سپری شد، و مسیح برای رهایی قوم خود ظاهر نگردید. آنان که با ایمانی صادقانه و محبت، در انتظار نجات‌دهنده خویش بودند، دچار تلخ‌ترین نومیدی شدند. با این حال، خداوند مقصود خود را به انجام رسانده بود: او دل‌های کسانی را که اظهار می‌کردند در انتظار ظهور او هستند، آزموده بود. در میان ایشان بسیاری بودند که انگیزه ایشان نه محبت به حقیقت، بلکه ترس بود. هنگامی که واقعه مورد انتظار رخ نداد، این اشخاص اعلام کردند که نومید نشده‌اند؛ آنان هرگز باور نداشتند که مسیح خواهد آمد. ایشان از نخستین کسانی بودند که اندوه ایمانداران راستین را به ریشخند گرفتند.

این مقصود خداوند بود. ما برای آینده هیچ دلیلی برای ترس نداریم، مگر آن‌گاه که فراموش کنیم خداوند در تجربه‌های گذشته‌مان چگونه ما را هدایت کرده است، و هیچ دلیلی برای ترس نداریم مگر

آن که تعالیم خداوند را در تجربه‌های گذشته‌مان از یاد ببریم. ما می‌گوییم که شما نمی‌توانید این هدایت را از تعلیم او جدا سازید.

طرحی از زندگی جیمز وایت و الن جی. وایت، 1888، صفحات 186-187: «خدا قوم خود را با سپری شدن زمان در سال 1843 آزمود و محک زد. اشتباهی—اشتباهی یگانه—که آنان در محاسبه دوره‌های نبوتی مرتکب شدند، فوراً حتی از سوی مردان دانش‌آموخته‌ای که با دیدگاه‌های کسانی که در انتظار آمدن مسیح بودند مخالفت می‌کردند، کشف نشد. این دانشوران ژرف‌اندیش اعلام کردند که آقای میلر در محاسبه زمان درست گفته است، هرچند با او درباره رویدادی که آن دوره را به اوج می‌رساند اختلاف داشتند. اما آنان و قوم منتظر خدا، در مسئله زمان، در خطایی مشترک بودند.

ما کاملاً ایمان داریم که خدا، در حکمت خویش، چنین مقدر فرمود که قوم او با نومیدی‌ای روبه‌رو شوند؛ نومیدی‌ای که به‌خوبی حساب‌شده بود تا دل‌ها را آشکار سازد و شخصیت‌های حقیقی را پرورش دهد—نه فقط دل‌های ایشان را آشکار کند، بلکه شخصیت‌های آنان را نیز پرورد و آن را به نقطه‌ای برساند که در بحرانی که هنگام ندای نیمه‌شب فرامی‌رسد، به اثبات برسد. آنان که پیام فرشته اول را از ترس داورهای خدا پذیرفته بودند، نه از آن رو که حقیقت را محبت می‌کردند و وارثی در ملکوت آسمان را آرزو داشتند، اکنون در چهره واقعی خود ظاهر شدند. ایشان از نخستین کسانی بودند که نومیدشدگانی را که صادقانه مشتاق و دوستدار ظهور عیسی بودند، به تمسخر گرفتند. این آزمون بسیار نافذ الهی، شخصیت‌های واقعی کسانی را آشکار ساخت که با انکار ایمان خود در ساعت آزمایش، از مسئولیت و ننگ روی‌گردان می‌شدند.

آنان که مأیوس شده بودند، در تاریکی وانهاده نشدند؛ زیرا در جست‌وجوی ادوار نبوی با دعا‌های مشتاقانه، خطا آشکار گردید—آن خطای یگانه—و نیز امتداد قلم نبوت در سراسر زمان درنگ دنبال شد. در انتظار شادمانه آمدن مسیح، درنگ ظاهری رؤیا به حساب آورده نشده بود، و این امری اندوه‌بار و شگفتی‌ای غیرمنتظره بود. با این همه، همین آزمون برای پرورش و تقویت ایمانداران صادق به حقیقت، بسیار ضروری بود. زمان درنگ به‌غایت ضروری بود. این زمان نه تنها می‌بایست آن دو طبقه را آشکار سازد و آغاز به شکل دادن به منش‌های ایشان کند، منش‌هایی که در تاریخ فریاد نیمه‌شب تا بسته شدن در آشکار می‌گردید، بلکه برای استحکام آنان که در این موضوع بر جانب درست برون می‌آمدند نیز ضروری بود. شما نمی‌توانید زمان درنگ را از فریاد نیمه‌شب یا از بسته شدن در جدا سازید.

هنگامی که فریاد نیمه‌شب را انکار می‌کنید، همان تاریخ را انکار می‌کنید. فریاد نیمه‌شب صرفاً پیام ساموئل اسنو در گردهمایی اردویی اکستر نیست؛ بلکه تجربه زمان تأخیر است. این همان جایی است که خداوند بدان سو هدایت می‌کرد. ما برای آینده هیچ چیزی نداریم که از آن بترسیم، مگر آن‌گاه که هدایت خداوند را در تاریخ گذشته خود از یاد ببریم—این تاریخ زمان تأخیر و فریاد نیمه‌شب را، که در آن او انجیل جاودانه را در تاریخ میلری به اوج می‌رساند و دو طبقه از پرستندگان را پدید می‌آورد.

نوشته‌های نخستین، صفحه ۷۴: «دیدم که نمودار ۱۸۴۳ به وسیله دست خداوند هدایت شده بود، و اینکه نباید دگرگون شود؛ و اینکه ارقام همان‌گونه بودند که او می‌خواست؛ و اینکه دست او بر آن بود و اشتباهی را در برخی از ارقام پنهان ساخت، به طوری که هیچ‌کس نمی‌توانست آن را ببیند، تا زمانی که دست او برداشته شد.»

راز بی‌عدالتی و فرایند آزمون

اگر وقت می‌داشتیم، می‌توانستیم دربارهٔ سرّ بی‌دینی سخن بگوییم. سرّ بی‌دینی می‌تواند بیش از یک تعریف درست داشته باشد، اما در اینجا به کار شیطان اشاره دارد در آمیختن شرّ با خیر، و حقیقت یا خطا، در تاریخ‌های مقدّسی که در آنها خداوند قوم خود را می‌آزماید. در تاریخ‌های مقدّس کتاب مقدّس که خداوند قوم خود را به فرایند آزمون می‌آورد، شما همواره سرّ بی‌دینی را خواهید دید—فعالیت شیطان در آمیختن حقیقت با خطا. هنگامی که مردم به این نقطه آزمون می‌رسند، سرّ بی‌دینی مسائل را تیره و مبهم ساخته است.

هنگامی که زمان آزمون نوح فرا رسید، کتاب مقدّس به ما می‌گوید که پیش از آن، تخم شیطان با تخم خدا آمیخته شده بود. همین امر سبب شد که راز بی‌دینی در زمان نوح به کمال برسد؛ آن‌گونه که در پیدایش بیان شده است: پسران خدا دختران آدمیان را به زنی گرفتند—آمیختگی آن دو تخم، راز بی‌دینی که پیش از آزمون نوح پدید می‌آید.

در آزمون موسی و دریای سرخ، کتاب مقدّس توصیف می‌کند که چگونه اسرائیل، که می‌بایست در دریای سرخ و در سینا آزموده شود، پس از آن که زمانی دراز در مصر به سر برده بود، به وسیلهٔ تعالیم مصر فاسد شده بود. آن همان سرّ بی‌اثمی بود—قرار گرفتن تحت تأثیر تعالیم شیطانی.

در زمان یهودیان، این تعالیم یونانی بود که راه را برای آن هموار ساخت تا سنهدرین فرایند آزمون خود را رد کند.

در تاریخ میلری، میلری‌ها در کلیساهای پروتستان تازه از ۱۲۶۰ سال نفوذ پاپی بیرون آمده بودند؛ نفوذی که بذر پاک را با بذر ناپاک فاسد ساخت و بدین‌سان سرّ بی‌قانونی‌ای را پدید آورد که پیش از آزمون تاریخ میلری وجود داشت.

این همان سرّ بی‌دینی است که همواره حاضر است.

اگر مطالعه کنید که راز بی‌قانونی چگونه عمل می‌کند، به فصل نخستِ پدرسالاران و انبیا مراجعه کنید. خواهر وایت به ما می‌گوید که شیطان چگونه راز بی‌قانونی را در آسمان به انجام رساند. قرار بود در آسمان آزمایشی درگیرد تا معلوم شود کدام فرشتگان باقی خواهند ماند و کدام یک برداشته خواهند شد، و شیطان درست در همان‌جا، در آسمان، پیش از آن فرایند آزمایش، راز بی‌قانونی را به انجام می‌رساند.

شیطان این کار را از راه القای شک، قرار دادن سخن خود فراتر از کلام خدا، و مهم‌تر از آن، با واداشتن دیگران به بیان تعالیم دروغین خود انجام داد—فعالیتی شریرانه. او در ذهن تو شک می‌افکند، و سپس تو بیرون می‌رفتی و آن شک را در میان گروهی ابراز می‌کردی. اگر کسی از آن شک شکایت می‌کرد، از تو شکایت می‌کرد، نه از او.

اخیراً، یک کشیش در اسپوکن واشنگتن، دربارهٔ صفحهٔ 74 کتاب *Writings* Writings* اظهار نظر کرد و گفت: «من به فرهنگ لغت روزگار الن وایت، یعنی فرهنگ وبستر، مراجعه کردم، و figures هیچ معنایی مربوط به حساب ندارد.» بیشتر کسانی که این سخن را شنیدند، آن را بررسی نمی‌کردند و او را باور می‌نمودند. دست‌کم، آن کشیش دربارهٔ آنچه figures در این عبارت نمایانگر آن است بذر تردید می‌کاشت؛ اما در واقع، او دروغ می‌گفت. فرهنگ 1828 وبستر می‌گوید: FIGURE, n. در علم حساب، نشانه‌ای که دلالت بر یک عدد دارد، مانند 2، 7، 9.

او در حال ابراز تردید بود و آن کاری را انجام می‌داد که به‌عنوان سرّ بی‌دینی معرفی شده است. او برای ادونتیست‌ها آشکار می‌ساخت—اگر مایل به دیدن باشند—که در این زمان از تاریخ زمین، باید حقیقت را برای خودتان بفهمید و به انسان‌ها گوش نسپارید؛ زیرا «... سرّ بی‌دینی اکنون نیز عمل

می‌کند: ...».

نوشته‌های آغازین، صفحه ۷۴: «... که ارقام همان‌گونه بودند که او می‌خواست، و دست او بر روی یکی از ارقام بود و اشتباهی را در آن پنهان می‌کرد، به‌گونه‌ای که هیچ‌کس نمی‌توانست آن را ببیند، تا آن‌گاه که دست او برداشته شد.»

این انحراف ذهنی است، و الهی‌دانان غالباً چنین می‌کنند. اگر می‌خواهید بدانید واژه‌ای در کتاب مقدس یا در روح نبوت چه معنایی دارد، نخست به فرهنگ‌های لغت رجوع نمی‌کنید؛ بلکه به نبی رجوع می‌کنید. برای مثال، دانیال در دانیال ۸:۱۱ از واژه عبری rum استفاده می‌کند که «برداشته شد» ترجمه شده است. مردم گمان می‌کنند که معنای آن «مزال شدن» است، اما دانیال پنج بار دیگر نیز rum را به‌کار می‌برد، و این واژه هرگز به معنای «برداشتن» نیست—بلکه به معنای «بالا بردن و متعال ساختن» است. بنابراین، این‌که کسی rum را در دانیال ۸:۱۱ به معنای «برداشتن» بداند، پیروی از سنت است، نه پیروی از نحوه‌ای که دانیال آن واژه را به‌کار برده است.

به همین‌گونه، در مورد این وایت نیز: اگر بخواهید ادعا کنید که در Early Writings, 74، واژه «figures» به معنای اشکال هنری یا تصاویر است، ممکن است بگویید: «فرهنگ لغت زمان این وایت نمی‌گوید که figures به معنای حساب است»، با این امید که بیشتر مردم بررسی نکنند. اما اگر بررسی کنند، خواهند یافت که figures واقعاً به معنای حساب نیز هست.

اما نخستین جایی که به آن رجوع می‌کنید، خود این وایت است: منظور او از «ارقام» چیست؟ او در کتاب Early Writings، صفحه 74، می‌گوید: «دست او بر روی اشتباهی در برخی از ارقام قرار داشت و آن را پنهان می‌کرد»، و در صفحه 236 می‌گوید: «دست او اشتباهی را در محاسبه دوره‌های نبوی پوشانید.» این نبیه تصریح می‌کند که در اصطلاح او، «ارقام» به دوره‌های نبوی اشاره دارد—به محاسبات، نه به تصویرنگاری.

پس خداوند دست خود را بر چه چیزی نگاه داشت؟ او دست خود را بر خطایی در محاسبه ادوار نبوی—یعنی ارقام—نگاه داشت.

تأیید ۲۵۲۰ از سوی الن وایت

این نکته اصلی است. بسیاری همان پیامی را که ما ارائه می‌کنیم مطرح می‌سازند، و من از ایشان حمایت می‌کنم. اما هنگامی که سخن از ۲۵۲۰ و این پرسش به میان می‌آید که آیا الن وایت آن را نبوتی معتبر می‌دانست یا نه، این همان استدلال است—این همان برهان است و نقطه‌ای است که باید از آن آغاز کنید. همه استدلال‌های دیگر معتبر و درست‌اند، اما این نقطه آغاز است.

در کتاب «نوشته‌های نخستین»، صفحه ۷۴، آنجا که می‌گوید خداوند دست خود را بر اشتباهی در برخی از ارقام نگاه داشت، او در همان کتاب، در صفحه ۲۳۶، معنای آن را چنین بیان می‌کند: «دیدم که قوم خدا با شادی در انتظار بودند و برای خداوند خویش چشم به راه بودند. اما خدا قصد داشت ایشان را بیازماید.» او درباره زمان تأخیر [۲۲ مارس ۱۸۴۴]، نخستین نومیدی، سخن می‌گوید.

او درباره «ناکامی» در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ سخن نمی‌گوید، زیرا آنان در آنجا نیز آزموده خواهند شد؛ بلکه در اینجا درباره ۲۲ مارس ۱۸۴۴، یعنی زمان تأخیر، سخن می‌گوید: «خدا قصد داشت آنان را بیازماید.» «دست او اشتباهی را در محاسبه دوره‌های نبوی پوشانیده بود.» او چگونه می‌خواست به‌وسیله زمان تأخیر آنان را بیازماید؟ با نگاه داشتن دست خود بر فهم ایشان از دوره‌های نبوی. شما برای آینده هیچ چیز برای ترسیدن ندارید، مگر آن‌گاه که فراموش کنیم خداوند در گذشته، در تاریخ میلی‌ها و در تعالیم خود، چگونه ما را هدایت کرده است.

این ادوار نبوی همان تعالیمی بودند که زمان تأخیر را پدید آوردند. «دست او اشتباهی را در محاسبه ادوار نبوی پوشانیده بود. آنان که در انتظار خداوند خویش بودند این اشتباه را کشف نکردند» — یک اشتباه، به صورت مفرد — «و داناترین مردانی نیز که با آن زمان مخالفت می‌کردند، از دیدن آن بازماندند. خدا مقرر فرموده بود که قوم او با یأس و نومیدی روبه‌رو شوند. زمان سپری شد، و آنان که با انتظار شادمانه در پی نجات‌دهنده خود بودند، اندوهگین و دل‌سرد شدند؛ حال آنکه کسانی که ظهور عیسی را دوست نمی‌داشتند، بلکه از روی ترس این پیام را پذیرفته بودند، خشنود بودند که او در زمان مورد انتظار نیامد. اقرار ایشان بر دل‌آثر نگذاشته و زندگی را پاک نساخته بود. سپری شدن زمان به‌خوبی محاسبه شده بود تا چنین دل‌هایی را آشکار سازد. آنان نخستین کسانی بودند که روی برتافتند و آن اندوهگینان نومید را که حقیقتاً ظهور نجات‌دهنده خویش را دوست می‌داشتند، به ریشخند گرفتند. من حکمت خدا را در آزمودن قوم خود و بخشیدن امتحانی دقیق به ایشان دیدم تا آنان را که در ساعت آزمایش عقب می‌کشند و باز می‌گردند، آشکار سازد.

عیسی و تمامی سپاه آسمانی با دلسوزی و محبت بر کسانی نگر بستند که با انتظاری شیرین مشتاق دیدار او بودند، همان کسی که جان‌هایشان او را دوست می‌داشت. فرشتگان بر فراز آنان در پرواز بودند تا ایشان را در ساعت آزمایششان نگاه دارند. آنان که از پذیرفتن پیام آسمانی غفلت ورزیده بودند، در تاریکی رها شدند، و خشم خدا بر ضد ایشان افروخته شد، زیرا نخواستند نوری را که او از آسمان برایشان فرستاده بود، بپذیرند. آن وفاداران نومید شده، که نمی‌توانستند دریابند چرا خداوندشان نیامد، در تاریکی واگذاشته نشدند. بار دیگر به سوی کتاب مقدس خود هدایت شدند تا دوره‌های نبوی را جست‌وجو کنند. دست خداوند از روی اعداد برداشته شد، و آن خطا — یگانه — توضیح داده شد.

در اینجا او اشتباه ارقام موجود در نمودار ۱۸۴۳ را توضیح می‌دهد، و پیش‌تر نیز تصریح کرده است که این ارقام نمایانگر دوره‌های نبوی هستند. «آنان دریافتند که دوره‌های نبوی تا ۱۸۴۴ امتداد می‌یابد، و همان شواهدی که عرضه کرده بودند تا نشان دهند دوره‌های نبوی در ۱۸۴۳ پایان می‌یابد، ثابت می‌کرد که آن‌ها در ۱۸۴۴ خاتمه خواهند یافت.» پایان بحث! الن وایت مهر تأیید خود را بر ۲۵۲۰ می‌نهد.

فقط سه دوره نبوی بر روی نمودار ۱۸۴۳ وجود دارد که آنان فهمیدند در سال ۱۸۴۳ پایان می‌یافت: ۱۳۳۵، ۲۵۲۰، و ۲۳۰۰. خداوند دست خود را بر اشتباهی در برخی از ارقام — یعنی دوره‌های نبوی بر این نمودار — نگاه داشته بود تا زمانی که دست خود را برداشت. هنگامی که او دست خود را برداشت، منتظران امین هدایت شدند تا بار دیگر دوره‌های نبوی را مطالعه کنند و دریافتند که همان شواهدی که آنان را بر آن داشته بود که اعلام کنند دوره‌های نبوی در ۱۸۴۳ بسته شده‌اند، آنگاه معلوم شد ثابت می‌کند که دو دوره در ۱۸۴۴ پایان یافته‌اند.

دوره ۱۳۳۵ در سال ۵۰۸ میلادی آغاز می‌شود و در ۱۸۴۳ پایان می‌یابد. دوره ۲۵۲۰ در ۶۷۷ پیش از میلاد آغاز می‌شود و از کمال سال متأثر است. پیشگامان می‌پنداشتند که این دوره در ۱۸۴۳ پایان یافته است، اما بعدها دریافتند که همان شواهدی که آنان را به پیشگویی ۱۸۴۳ رهنمون شده بود، ثابت می‌کرد که نبوت ۲۵۲۰ در ۱۸۴۴ پایان یافته است. نبوت ۲۳۰۰ در ۴۵۷ پیش از میلاد آغاز می‌شود، و آنان گمان می‌کردند که در ۱۸۴۳ پایان می‌یابد، اما پس از نومیدی، از طریق مطالعه ادوار نبوی، دریافتند که این نبوت در ۱۸۴۴ پایان یافته است.

تنها سه نبوت وجود دارد که آنان پیش‌بینی کردند در سال 1843 به پایان برسد، و یکی از آن‌ها نیز چنین می‌شود: 1335. این نبوت آن نبوتی نیست که خداوند دست خود را بر آن نهاده بود. این نبوت تاریخ میلری‌ها را از زمان درنگ، از خلال فریاد نیمه‌شب، تا 22 اکتبر 1844 مشخص می‌سازد.

در ارائه دیروز، با این نقل قول از الن وایت سخن را به پایان بردیم: «خوشا به حال چشمانی که چیزهایی را دیدند که در سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ دیده شد.» این همان است که می‌گوید: «خوشا به حال آن که به ۱۸۴۳ می‌آید.» در بند بعدی، او می‌گوید: «پیام داده شد. و در تکرار این پیام نباید هیچ تأخیری باشد، زیرا نشانه‌های زمان در حال تحقق یافتن است؛ کار پایانی باید انجام شود. کاری عظیم در زمانی کوتاه انجام خواهد شد. به زودی، به تعیین خدا، پیامی داده خواهد شد که به فریادی بلند فزونی خواهد یافت. آنگاه دانیال در قرعه خود خواهد ایستاد تا شهادت خویش را بدهد.» Manuscript Releases، جلد ۲۱، ۴۳۷.

ایستادن دانیال در قرعه خویش، آیه ۱۳ از دانیال ۱۲ است. «خوشا به حال چشمانی که آنچه را در ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ دیده شد، دیدند» آیه ۱۲ است. الن وایت در حال ارائه تفسیر الهی بر دانیال ۱۲:۱۲-۱۳ است و می‌گوید که این آیات درباره یک نبوت زمانی نیستند، بلکه درباره تجربه‌ای هستند که ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ را در بر می‌گیرد؛ تجربه‌ای که از یک سوءبرداشت نسبت به ۱۸۴۳ پدید آمد و زمانی تأخیر را به وجود آورد. هنگامی که زمان تأخیر فرا می‌رسد، «خوشا به حال کسی که انتظار می‌کشد.» هرچند رؤیا درنگ کند، برای آن انتظار بکش. خوشا به حال آن کسی که با وفاداری از زمان تأخیر تا هنگام بسته شدن در، انتظار می‌کشد. آنچه شخص وفادار در ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ می‌بیند، برکتی است که او را به درون مکان اقدس هدایت می‌کند.

نبوت ۱۳۳۵ در سال ۱۸۴۳ پایان یافت و فرا رسیدن فریاد نیمه‌شب را نشان کرد. دوره‌های نبوی ۲۵۲۰ و ۲۳۰۰ در سال ۱۸۴۴ به پایان می‌رسند. الن وایت می‌گوید که همان شواهدی که ایشان را بر آن داشت اعلام کنند ۲۵۲۰، ۲۳۰۰، و ۱۳۳۵ در سال ۱۸۴۳ پایان یافته‌اند، سپس به‌عنوان دلیلی شناخته شد که ثابت می‌کرد این‌ها در سال ۱۸۴۴ خاتمه خواهند یافت.

نوری از کلام خدا بر موقعیت ایشان تابید، و آنان زمانی از تأخیر را کشف کردند—«اگرچه آن [رؤیا] تأخیر نماید، برای آن منتظر بمان.» آنان در محبت خود به آمدن فوری مسیح، از تأخیر رؤیا که مقدر شده بود منتظران حقیقی را آشکار سازد، غفلت ورزیده بودند. بار دیگر نیز نقطه‌ای زمانی داشتند. با این همه، دیدم که بسیاری از ایشان نتوانستند از فراز آن نومیدی شدید برآیند تا آن درجه از غیرت و نیرو را که ایمانشان را در سال 1843 مشخص ساخته بود، دارا شوند.

شیطان و فرشتگان او بر آنان پیروز شدند، و آنان که پیام را نپذیرفتند، به سبب دوراندیشی و حکمتی که به گمان خود در نپذیرفتن آن فریب، چنان‌که آن را می‌نامیدند، نشان داده بودند، خویشان را تهنیت گفتند. آنان در نمی‌یافتند که مشورت خدا را بر ضد خویش رد می‌کنند و در اتحاد با شیطان و فرشتگان او عمل می‌کنند تا قوم خدا را، که پیام فرستاده شده از آسمان را به عمل درمی‌آوردند، سرگشته سازند.»

در این تاریخ، دو طبقه از پرستندگان وجود دارند. طبقه بی‌وفا منتظران را به ریشخند می‌گیرد، اما منتظران بار دیگر به دوره‌های نبوی هدایت می‌شوند و درمی‌یابند که همان شواهدی که آنان را به این نتیجه رسانده بود که پایان ۲۵۲۰ و ۲۳۰۰ در سال ۱۸۴۳ است، قرار بود ثابت کند که آن‌ها در سال ۱۸۴۴ به پایان می‌رسند.

هرچند انتظارکشندگان این را تشخیص دادند، اما همچون پیش از نخستین نومیدی، برای خداوند آن‌چنان پرشور نبودند. آنان با پیام فریاد نیمه‌شب بار دیگر افروخته می‌شدند. انتظارکشندگان پیش از فریاد نیمه‌شب، ۱۸۴۴ را به‌عنوان پایان نبوت‌ها از پیش دریافته بودند.

پیام فریاد نیمه‌شب به منتظران امکان داد تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را مشخص کنند. با آن آگاهی، موضوع دیگر صرفاً زمانی نامعین در سال ۱۸۴۴ نبود؛ بلکه همین روز معین بود، و همین به آن پیام قدرت بخشید.

آیا این فرایند را می‌بینید؟ تعالیمی که این تجربه را پدید می‌آورند، سه نبوت‌اند: ۱۳۳۵، ۲۳۰۰، و ۲۵۲۰. پس از آن‌که این را دریافتند، اعلام کردن را آغاز کردند: «از بابل بیرون آیید.» این همان پیام فرشته دوم است.

بگذارید روشن سخن بگوییم: در زمان تأخیر چه چیزی به پایان می‌رسد؟ استفاده از نمودار ۱۸۴۳. آنان این نمودار را کنار نهادند، زیرا اکنون دریافته بودند که خداوند در سال ۱۸۴۴ می‌آید، حال آنکه نمودار ۱۸۴۳ را نشان می‌داد. از این‌رو، برای تاریخ پیام فرشته دوم، نمودار را کنار گذاشتند.

پیام آنان در تاریخ فرشته دوم چه می‌شود؟ بند آخر توضیح می‌دهد.

ایمان‌آوردگان به این پیام در کلیساها تحت ستم بودند. برای مدتی، کسانی که این پیام را نمی‌پذیرفتند، از ترس بازداشته شدند که احساسات دل‌های خود را به عمل آورند؛ اما سپری شدن آن زمان، احساسات واقعی ایشان را آشکار ساخت. آنان می‌خواستند شهادتی را که منتظران خود را ناگزیر از ادای آن می‌دیدند، خاموش کنند؛ یعنی این‌که ادوار نبوتی تا سال ۱۸۴۴ امتداد داشت.

کدام ادوار نبوی؟ ۲۵۲۰، ۲۳۰۰، و ۱۳۳۵. این، پیام آنان در این تاریخ است. اکنون ایشان می‌گویند: «فهمیدیم! این نبوت‌ها تا ۱۸۴۴ امتداد می‌یابند.» پیام آنان در تاریخ فریاد نیمه‌شب، نبوت‌های ۲۵۲۰ و ۲۳۰۰ ساله است.

«برای مدتی، آنان که نمی‌خواستند پیام را بپذیرند، از بیم، از به عمل آوردن احساسات دل‌های خود بازداشته شده بودند؛ اما سپری شدن آن زمان، احساسات حقیقی ایشان را آشکار ساخت. آنان می‌خواستند آن شهادتی را خاموش کنند که منتظران خود را ملزم به ادای آن می‌دیدند، مبنی بر این‌که ادوار نبوتی تا سال ۱۸۴۴ امتداد می‌یافت. ایمانداران با وضوح، اشتباه خود را—اشتباهی شگفت—توضیح دادند و دلایل خود را برای این‌که چرا انتظار داشتند خداوندشان در ۱۸۴۴ بیاید، بیان کردند. مخالفان ایشان هیچ استدلالی در برابر دلایل نیرومندی که عرضه شده بود، نتوانستند بیاورند. با این حال، خشم کلیساها افروخته شد؛ آنان مصمم بودند که به شواهد گوش نپردازند و شهادت را از کلیساها بیرون نگاه دارند تا دیگران نتوانند آن را بشنوند.»

چه رخ می‌دهد هنگامی که ۲۵۲۰ را در ارتباط با ۲۳۰۰ روز مطرح می‌کنید؟ در تاریخ میلری، از کلیساها رانده می‌شوید و تلاشی برای خاموش ساختن آن پیام صورت می‌گیرد.

آنان که جرأت نکردند نوری را که خدا به ایشان عطا کرده بود از دیگران دریغ دارند، از کلیساها بیرون رانده شدند؛ اما عیسی با ایشان بود، و آنان در نور طلعت او شادمان بودند. ایشان برای دریافت پیام فرشته دوم آماده شده بودند. Early Writings, 235–237.

بی‌آنکه به بررسی‌ای درباره ۲۵۲۰ پردازیم، آنچه می‌کوشیم نشان دهیم این است که الن وایت مَهر تأیید خود را بر ۲۵۲۰ نهاده است. اگر نمی‌توانید این را ببینید، لازم است دعا کنید تا عیسی پرده را از چشمان شما بردارد. الن وایت گفت که همان شواهدی که آنان را به پیش‌بینی سال ۱۸۴۳ رهنمون شد، سپس آشکار شد که ثابت می‌کند این دوره‌های نبوی در سال ۱۸۴۴ پایان یافته‌اند. او همواره دوره‌های نبوی، یا ارقام، را به صورت جمع مشخص می‌کند. بر نمودار ۱۸۴۳ تنها سه دوره نبوی وجود دارد که در سال ۱۸۴۳ پایان یافتند.

آن‌که در ۱۸۴۳ پایان می‌یابد، یعنی ۱۳۳۵، از لحاظ صحت دستوری اقتضا می‌کند که او برای به‌کار بردن «figures» و «periods» دست‌کم دو دوره نبوی را در نظر داشته باشد. اگر سه دوره وجود داشته باشد و شما یکی را کنار بگذارید، آنگاه آن دو دوره‌ای که او تأیید می‌کند ۲۵۲۰ و ۲۳۰۰ هستند، فارغ از آنچه هر کس دیگری ممکن است بگوید.

در این تاریخ، از جمله نومیدی عظیم آدونتیست‌ها در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، خداوند در حال پدید آوردن تجربه‌ای بود که در آن ایشان از کلیساها بیرون رانده می‌شدند تا نه بر نفوذ انسان‌ها، بلکه بر کلام خدا استوار بایستند. آنان به آن تجربه نیاز داشتند تا ایمانی داشته باشند که با عیسی مسیح به قدس‌الاقداس درآیند. او ایشان را کامل می‌ساخت تا انجیل جاودان را به انجام رساند.

شهادت پیشگامان: جیمز وایت و اوریا اسمیت

سپس، به دو تن از پیشگامان می‌رسیم: جیمز وایت و اوریا اسمیت. اینان همان اشخاص اصلی‌اند که الهی‌دانان معاصر برای اثبات این ادعا به آنان استناد می‌کنند که جیمز وایت در سال 1863 عدد 2520 را رد کرد و اوریا اسمیت نیز در نوشته‌های خود در دهه‌های 1870 و 1880 آن را رد نمود.

اکنون به سال ۱۸۴۴ و اندکی پس از آن بازمی‌گردیم تا ببینیم جیمز وایت و اوریا اسمیت چگونه همین تاریخ عیناً یکسان را که الن وایت به‌تازگی توصیف کرده است، شرح می‌دهند. او درباره دوره‌های نبوی و اینکه خداوند دست خود را برداشت و اشتباه آشکار شد سخن می‌گوید، و این دو پیشگام نیز همین‌گونه می‌گویند.

الن وایت «2520» یا «هفت زمان» را ذکر نمی‌کند، اما اوریا اسمیت و جیمز وایت چنین می‌کنند. آنان به‌روشنی بیان می‌کنند که ادوار نبوی به‌رسمیت شناخته‌شده در این تاریخ، 2520 و 2300 بودند.

جیمز وایت، Review and Herald، جلد ۱، ۹ ژوئیه ۱۸۵۱: «معترضی می‌گوید: "من باور ندارم که فریاد نیمه‌شب هنوز داده شده باشد." ما نیز باور نداریم که فریاد نیمه‌شب به گوش ما رسیده باشد، یا اینکه هرگز خواهد رسید. فریاد متی ۲۵:۶، "اینک داماد می‌آید،" در تاریخ یک ازدواج شرقی است. اما اینکه فریادی در پاییز ۱۸۴۴ داده شد، و از سوی تمامی جماعت آدونت به‌طور کامل پذیرفته گردید، و به‌خوبی با فریاد نیمه‌شب مثل سنجیده می‌شود، نباید از سوی کسانی که در آن تجربه‌ای داشتند انکار شود.»

جیمز وایت با تاریخی سروکار دارد که در آن مردم ندای نیمه‌شب را رد می‌کنند و از مسیر فرو می‌افتند. او در پاسخ به این امر سخن می‌گوید و این تاریخ را مورد بحث قرار خواهد داد.

«آن در زمان درست فرارسید. بانگ مثل بی‌درنگ پس از تأخیر، و چرت‌زدن و به خواب رفتن، شنیده شد. این پس از تأخیر ما، آنگاه که مایوس شده بودیم، پدید آمد و در حالی به گوش ما رسید که در حالتی رخوت‌آلود بودیم. آن بانگ، ده‌باکره را بیدار کرد و ایشان را برانگیخت تا چراغ‌های خود را اصلاح کنند. این بانگ، که با قدرت روح همراه بود، قوم منتظر ظهور را برانگیخت و ایشان را بر آن داشت که کتاب مقدس را چنان‌که هرگز پیش از آن نجسته بودند، بجویند، و خود و اموال دنیوی خویش را یکسره به خداوند تخصیص دهند. آنان که این بانگ را سر دادند که خداوند در ماه هفتم 1844 خواهد آمد، به‌روشنی دیدند که دوره‌های نبوی تا آن زمان امتداد می‌یابد؛ از این‌رو، همان شواهدی که از آن دوره‌ها برای اثبات این‌که ظهور در 1843 خواهد بود ارائه شده بود، ثابت می‌کرد که در 1844 خواهد بود. سپس دریافتیم که در آن شیوه محاسبه که 2300 روز را در 1843 پایان می‌داد، خطایی وجود داشت. هیچ‌یک از آنان که بر ضد ظهور نوشتند، آن را ندیدند. دست‌مشیت—با حرف بزرگ «P»—آن اشتباه—به‌صورت مفرد—را پوشانیده بود تا زمانی که وقت دیده شدن آن فرا رسد. خطا در این بود که از 2300، چهارصد و پنجاه و هفت سال کامل کسر می‌کردند که 1843 را باقی می‌گذاشت، بی‌آن‌که هیچ اعتباری برای آن بخش از سال 457 ق.م. که گذشته بود، در نظر بگیرند؛ یعنی زمانی که فرمان صادر شد، همان مبدئی که هفتاد هفته از آن محاسبه می‌شود.»

«اذهان ما به آن مقطع زمانی، [1843] معطوف شد، از این واقعیت که با محاسبه چندین دوره نبوی از سال‌هایی که بهترین گاه‌شناسان تحقق آن رویدادهایی را که قرار بود آغاز آنها را مشخص سازند به آنها نسبت می‌دهند، همگی چنان می‌نمود که در آن سال پایان می‌پذیرند.»

اکنون او دوره‌های نبوی را که آنان می‌پنداشتند در سال ۱۸۴۳ پایان می‌یافت، به ما بیان می‌کند. «با این همه، این فقط ظاهری بود.» فقط به ظاهر در سال 1843 پایان می‌یافتند. آنان درمی‌یافتند که در سال 1844 پایان می‌یافتند.

«ما «هفت زمان»، یا ۲۵۲۰ سال، را از اسارت منسی تاریخ‌گذاری می‌کنیم، که با اتفاق نظر بسیار، زمان‌نگاران آن را ۶۷۷ ق.م. قرار داده‌اند.» این‌ها ادوار نبوی‌ای بودند که آنان با آن‌ها سروکار داشتند. «این تاریخ تنها تاریخی بوده است که ما هرگز از آن برای آغاز این دوره محاسبه کرده‌ایم؛ و با کسر کردن ۶۷۷ ق.م. از ۲۵۲۰ سال، ۱۸۴۳ م. باقی می‌ماند. با این حال، ما متوجه نشده بودیم که چون برای تکمیل ۲۵۲۰ سال، ۶۷۷ سال کامل ق.م. و ۱۸۴۳ سال کامل م. لازم بود، این امر همچنین ما را ملزم می‌ساخت که این دوره را تا آن اندازه در سال ۱۸۴۴ م. امتداد دهیم که ممکن بود پس از آغاز ۶۷۷ ق.م. شروع شده باشد.»

دوره‌های نبوی‌ای که «دستِ عنایتِ الهی دست او را بر آن اشتباه نگاه داشت»، شامل ۲۵۲۰ نیز می‌شد.

اوریا اسمیت: «چون زمان از 1843 میلادی فراتر رفت، بسیاری به جست‌وجوی علل مایوس‌شدن خود در خصوص سال‌رهای مورد انتظارشان پرداختند. آنگاه آشکار شد که اگر همه ادوار نبوی را از سال‌های پیش از میلاد آغاز کنیم، یعنی همان‌جا که همواره آغاز آن‌ها را تاریخ‌گذاری کرده بودیم، آن‌ها، حتی بر این فرض که گاه‌شماری ما و تاریخ‌آغازشان درست باشد، به ترتیب تا زمانی در خلال سال 1844 میلادی به پایان نمی‌رسیدند. بدین‌سان، از هفت زمان، یا 2520 سال، که در 677 ق.م. آغاز می‌شود—یوبیل بزرگ، یا 2450 سال [که نه در نمودار 1843 و نه در نمودار 1850 نشان داده نشده است]، که در 607 ق.م. آغاز می‌شود—و 2300 سال دانیال، که در 457 ق.م. آغاز می‌شود—از آنجا که بخشی از هر یک از آن سال‌ها، که ادوار نبوی به ترتیب از آن‌ها تاریخ‌گذاری شده بودند، پیش از وقوع رویدادهای گوناگونی که آغاز آن‌ها را مشخص می‌ساخت، سپری شده بود، لازم بود که آن ادوار به همان اندازه در 1844 میلادی امتداد یابند که به ترتیب پس از آغاز سال‌های پیش از میلادی که جداگانه از آن‌ها محاسبه می‌شوند، آغاز شده بودند، تا یا شمار سال‌های هر یک کامل گردد، یا درستی گاه‌شماری ما آزموده شود. اما هیچ سرنخی نسبت به زمانی در سال‌های مربوط پیش از میلاد که در آن ادوار گوناگون آغاز شده بودند وجود نداشت؛ و در نتیجه، زمان پایان‌یافتن آن‌ها در سال اختتامشان را نمی‌شد به دقت مشخص کرد.»

اوریا اسمیت و جیمز وایت هر دو شهادت می‌دهند که دوره‌های نبوی‌ای که پذیرفته می‌شد در سال ۱۸۴۴ به پایان می‌رسند، عبارت بودند از ۲۵۲۰ و ۲۳۰۰ سال؛ و در این باره همان تعبیری را به کار می‌برند که الن وایت در Early Writings، صفحه ۲۳۶ و صفحات بعد، به کار برده است.

زنجیره حقیقت: نقاط آغاز ویلیام میلر و ویلیام میلر در این تحقیق، با جهان نبوت‌های موقت، قلمروهای رؤیایی حیوانات عجیب، و پادشاهانی که از میان تاریخ برمی‌خاستند، روبه‌رو شد. کاری که او بر عهده گرفته بود، تطبیق دادن نبوت‌ها با رویدادهای تاریخی مربوطه‌شان بود، تا ثابت کند که کتاب دانیال و مکاشفه از قرن نخست تا بازگشت مسیح، تاریخ کلیسا و جهان را در بر می‌گیرند. کتاب دانیال مهر و موم شده بود (دانیال 4:12)، اما مکاشفه گشوده بود، و خود را بر این نکته متعهد دید که نمادها و زمان‌بندی‌های آنها را تا

آنجا که ممکن است به روشنی تنظیم کند و تاریخ را «همچون زنجیره‌ای از حلقه‌ها... از روزگار او تا عصر موسی و حتی تا آفرینش، بازپس گیرد.» در طول راه، میلر همان رویکردی را که از اصول فهم نبوت استخراج کرده بود، به کار گرفت. او این قواعد را به صورت فهرستی از اصول تنظیم کرد، از جمله اینکه هر واژه باید ارتباط شایسته خود را با موضوع ارائه شده داشته باشد؛ اینکه تمام کتاب مقدس لازم است و با مطالعه کوشا می‌توان آن را فهمید؛ و اینکه کتاب مقدس باید مفسر خود کتاب مقدس باشد. او نوشت: «اگر به واژه‌ای برخوردیم که در جای خود بی‌معنا می‌نماید، آنگاه آن را در بخش‌های دیگر کتاب می‌جویم»، و برای نمادها بر آیات دیگر تکیه می‌کرد: «اگر در کلام خدا جست‌وجو کنیم، خواهیم یافت که کوه‌ها پادشاهی‌ها را معنا می‌دهند، حیوانات حکومت‌ها را، آب‌ها اقوام را، و روزها سال‌ها را.» این روش امری شخصی و دل‌خواهی نبود. او معتقد بود که نبوت، همانند هر بخش دیگر کتاب مقدس، باید «در معنای لفظی خود چنان فهمیده شود که مقصود خداوند از آشکار ساختن آن بود، تا فرزندان آن را بفهمند»، مگر آنکه زبانی مجازی یا نمادین به‌طور آشکار به کار رفته باشد. بنابراین، هنگامی که دانیال از چهار حیوان برآمده از دریا سخن می‌گفت، میلر اختراع نمی‌کرد که آنها چه چیزی ممکن است «برای او» معنا دهند؛ بلکه بر آنچه خود کتاب مقدس پیش‌تر چنین نمادهایی را به آن تعبیر کرده بود، تکیه می‌کرد. بر همین اساس، آمیختگی فلزات در رؤیای نبوکدنصر، چهار حیوان دانیال 7، و قوچ و بز دانیال 8 را همچون گواهی‌هایی هم‌پوشان برای همان توالی امپراتوری‌ها شناسایی کرد. در این هم‌نهادن، طلا با بابل، نقره با مادها و پارسیان، برنج با یونان، و آهن با روم تطبیق می‌یافت؛ سپس مرحله پایانی تفرقه و ضعف در پاهای آهنین آمیخته با گل ظاهر می‌شد. از اینجا میلر دقت بیشتری به نشان‌های نبوی زمان معطوف کرد. دانیال 7 از نیرویی سخن گفته بود که «قدیسان حضرت اعلی را فرسوده خواهد ساخت» و خواهد پنداشت که «اوقات و شریعت» را تغییر دهد، و آنها برای «یک زمان و دو زمان و نصف زمان» به دست او سپرده خواهند شد (دانیال 7:25). مکاشفه همین دوره را با زبان‌های متفاوت تکرار می‌کرد: چهل‌ودو ماه، هزار و دویست و شصت روز، زمانی که زن در بیابان نگاه داشته شد و دوران تسلط جفایبشه قدرت دجال‌خوی. در اینجا، میلر همان قاعده‌ای را به کار گرفت که در مکتب‌های تفسیری پروتستان پیشین رایج بود: در نبوت نمادین، روزها سال‌ها را نشان می‌دهند. بر این اساس، 1260 روز نبوی، 1260 سال را نمایندگی می‌کرد. او نه تنها دوره‌ها را در نظر می‌گرفت، بلکه نقطه‌های آغاز آنها را نیز می‌جست. اگر این زمان‌بندی‌های نبوی در تاریخ محقق می‌شدند، باید رویدادی مشخص وجود می‌داشت که حرکت هر دوره را آغاز کند. در اینجا بود که روش او از انتزاع به تاریخ گاه‌شمارانه گذر کرد. رویدادها دیگر صرفاً کلی نبودند؛ بلکه با تاریخ‌های شناخته‌شده پیوند می‌خوردند—فرمان‌ها، فتوحات، براندازی پادشاهان، و برپایی قدرت‌هایی که کلیسا را سرکوب می‌کردند. در نتیجه، کاری که در آغاز همچون مطالعه‌ای بر نمادها می‌نمود، رفته‌رفته به طرحی زمان‌مند از تاریخ جهان تبدیل شد، مقید به فرمان‌های شاهان باستان و سقوط امپراتوری‌های دیرین.

نوشته‌های نخستین، صفحه ۲۳۰: «خدا فرشته خود» — فرشته جبرئیل — «را فرستاد تا بر دل یک کشاورز» — ویلیام میلر — «تأثیر گذارد؛ کشاورزی که به کتاب مقدس ایمان نداشت، تا او را به جست‌وجوی نبوت‌ها رهبری کند. فرشتگان خدا بارها آن برگزیده را ملاقات کردند تا ذهن او را هدایت کنند و نبوت‌هایی را که همواره برای قوم خدا تاریک مانده بود، بر فهم او بگشایند. آغاز

زنجیره حقیقت به او داده شد، و او هدایت شد تا پیوندی پس از پیوند دیگر را بجوید، تا آن که با شگفتی و تحسین به کلام خدا نگریست. او در آنجا زنجیره‌ای کامل از حقیقت را دید. آن کلامی که او آن را غیرالهامی پنداشته بود، اکنون با زیبایی و جلال خود در برابر دیدگانش گشوده شد. او دید که یک بخش از کتاب مقدس، بخش دیگر را توضیح می‌دهد—جبرئیل به او روشی را که ما «استناد متنی» می‌نامیم نشان داد، سطر بر سطر، این‌جا اندکی و آن‌جا اندکی.

جبرائیل آغاز زنجیره حقیقت و شیوه استناد به متون را به او داد.

ویلیام میلر، ۱۸، Advent Review and Sabbath Herald آوریل ۱۸۵۴: «از مطالعه بیشتر کتب مقدس، به این نتیجه رسیدیم که هفت زمان برتری امت‌ها باید از هنگامی آغاز شود که یهودیان، در اسارت منسی، از یک ملت مستقل بودن بازایستادند؛ واقعه‌ای که بهترین گاه‌شماران آن را به سال ۶۷۷ پیش از میلاد نسبت داده‌اند؛ و اینکه ۲۳۰۰ روز با هفتاد هفته آغاز شد، که بهترین گاه‌شماران تاریخ آن را از ۴۵۷ پیش از میلاد دانسته‌اند؛ و اینکه ۱۳۳۵ روز، که با برداشته شدن قربانی دائمی و برپا شدن مکروه ویرانگر آغاز می‌شود، [دانیال ۱:۱۲]، باید از زمان استقرار برتری پاپی، پس از برداشته شدن مکروهات بت‌پرستانه، محاسبه شود، و این نیز، بنا بر بهترین مورخان که توانستم به آنها مراجعه کنم، باید از حدود سال ۵۰۸ میلادی تاریخ‌گذاری شود.»

الن وایت می‌گوید که جبرئیل نقطه‌های آغاز زنجیره حقیقت را به ویلیام میلر داد، و ویلیام میلر شهادت می‌دهد که سه نقطه آغازی که به او داده شد عبارت‌اند از ۵۰۸ میلادی، ۶۷۷ پیش از میلاد، و ۴۵۷ پیش از میلاد. این نقطه‌های آغاز این نبوت‌ها، که تاریخچه فریاد نیمه‌شب را پدید آوردند، به وسیله فرشته جبرئیل به او داده شد.

فریب نهایی: رد روح نبوت

پیام‌های برگزیده، جلد ۱، صفحه ۴۸: «شیطان . . . پیوسته امر جعلی را پیش می‌نهد—تا مردم را از حقیقت منحرف سازد. آخرین فریب شیطان این خواهد بود که شهادت روح خدا را بی‌اثر گرداند.» آخرین فریب شیطان نابود کردن روح نبوت است.

اگر این حقایق بنیادین را رد کنید، در همان حال روح نبوت را نیز رد می‌کنید. الن وایت تأیید خود را بر 2520 نهاده است. 2520 را رد کنید، و هم کودک را دور افکنده‌اید و هم آب غسل را.

«شیطان . . . پیوسته امر جعلی را پیش می‌نهد—تا انسان‌ها را از حقیقت منحرف سازد. آخرین فریب شیطان این خواهد بود که شهادت روح خدا را بی‌اثر کند. «جایی که رؤیا نباشد، قوم هلاک می‌شوند» (امثال ۱۸:۲۹).» او درباره رد کردن روح نبوت سخن می‌گوید و در پیوند با آن می‌گوید که اگر روح نبوت را رد کنید، جایی که رؤیا نباشد، قوم هلاک می‌شوند. رؤیا چیست؟ اگر روح نبوت را رد کنید، آن رؤیایی که از آن محروم می‌مانید چیست؟

«رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها به وضوح ثبت کن تا هر که آن را می‌خواند، بدود.» حبقوق ۲:۲ (KJV). اگر روح نبوت را رد کنید، نمودار ۱۸۴۳ را نیز رد خواهید کرد؛ و اگر این نمودار را رد کنید، روح نبوت را رد می‌کنید.

«شیطان به‌گونه‌ای زیرکانه، به طرق مختلف و از طریق عوامل گوناگون، عمل خواهد کرد تا اعتماد قوم باقی‌مانده خدا را به شهادت راستین متزلزل سازد. نفرتی علیه شهادت‌ها برانگیخته خواهد شد که شیطان است.» گاهی ما «شیطانی» را به اعمالی هولناک می‌اندیشیم، اما در کتاب مشایخ و انبیا به ما گفته شده است که شیطان با القای تردیدها عمل می‌کند. این همان حمله شیطانی علیه روح نبوت و این حقایق بنیادی است. این کار به وسیله مردانی انجام می‌شود که قرار است به آنان اعتماد داشته باشیم و آنان این تردیدها را القا می‌کنند.

نفرتی بر ضد «شهادت‌ها» افروخته خواهد شد که شیطانی است. عملکردهای شیطان بر آن خواهد بود که ایمان کلیساها را به آنها متزلزل سازد، و علت این امر آن است که اگر به هشدارها و توبیخ‌ها و پندهای روح خدا توجه شود، شیطان نمی‌تواند چنین راهی هموار و آشکار برای وارد ساختن فریب‌های خود و به بند کشیدن جان‌ها در گمراهی‌های خویش داشته باشد. Selected Messages, book 1, 48

در حالی که این بحث را به پایان می‌بریم، هنگامی که خواهر وایت می‌گوید ما برای آینده چیزی برای ترسیدن نداریم، جز اینکه هدایت خداوند را فراموش کنیم، من می‌گویم آن هدایت خداوند که او از آن سخن می‌گوید، همان تاریخی است از زمان تأخیر تا در بسته—تاریخی که با اصطلاح «فریاد نیمه‌شب» نمایانده می‌شود. ما برای آینده چیزی برای ترسیدن نداریم، جز اینکه فراموش کنیم خداوند چگونه ما را در تجربه فریاد نیمه‌شب هدایت کرد، و نیز تعلیماتی را که با این هدایت مرتبط بودند. تعلیماتی که این تجربه را پدید آوردند، همان سه نبوت زمانی هستند که با تاریخ‌هایی آغاز می‌شوند که فرشته جبرئیل به ویلیام میلر عطا کرد. ما برای آینده چیزی برای ترسیدن نداریم، جز اینکه این تعالیم را، از جمله 2520، که تجربه فریاد نیمه‌شب را پدید آوردند، فراموش کنیم؛ همان‌گونه که خداوند میلری‌ها را از خلال اوچ انجیل جاودان هدایت کرد.

اسپالدینگ و مگان، صفحات ۳۰۵-۳۰۶: «یک چیز قطعی است: آن ادونتیست‌های روز هفتم که جایگاه خود را زیر پرچم شیطان می‌گیرند، نخست ایمان خود را به هشدارها و توبیخ‌های مندرج در شهادت‌های روح خدا از دست خواهند داد.» شما بنیادها را رد می‌کنید، روح نبوت را رد می‌کنید. اگر روح نبوت را رد کنید، بنیادها را رد می‌کنید. این‌ها با یکدیگر همراه‌اند. هر جا روح نبوت نباشد، رؤیا نیز نیست.

فراخوان به تقدیس بیشتر و خدمت مقدس‌تر داده می‌شود، و همچنان داده خواهد شد. برخی که اکنون القائات شیطان را بر زبان می‌آورند، به خود خواهند آمد. کسانی هستند که در مناصب مهم امانت قرار دارند و حقیقت مختص این زمان را درک نمی‌کنند. پیام باید به آنان داده شود. اگر آن را بپذیرند، مسیح ایشان را خواهد پذیرفت و آنان را همکاران خود خواهد ساخت. اما اگر از شنیدن پیام سر باز زنند، جایگاه خود را زیر پرچم سیاه شهریار ظلمت اختیار خواهند کرد.

به من دستور داده شده است که بگویم حقیقت گران‌بهای مختص این زمان، هرچه بیشتر و روشن‌تر بر اذهان بشر گشوده می‌شود، به معنایی خاص، مردان و زنان باید از جسم مسیح بخورند و خون او را بنوشند. فهم و ادراک توسعه خواهد یافت، زیرا حقیقت استعداد گسترش مداوم را دارد. پدیدآورنده الهی حقیقت، با کسانی که در پی شناختن او پیش می‌روند، به مشارکتی هرچه نزدیک‌تر و باز هم نزدیک‌تر درخواهد آمد. چون قوم خدا کلام او را همچون نان آسمان دریافت کنند، خواهند دانست که طلوع او چون صبح مهیا شده است. آنان همان‌گونه که بدن با خوردن خوراک نیروی جسمانی دریافت می‌کند، قوت روحانی خواهند یافت.

ما نقشه خداوند را در بیرون آوردن بنی‌اسرائیل از بندگی مصر و هدایت ایشان از میان بیابان به کنعان، حتی به نیمه نیز در نمی‌یابیم.

«هرچه پرتوهای الهی تابیده از انجیل را بیشتر گرد آوریم، بینش روشن‌تری نسبت به نظام یهودی خواهیم یافت و حقایق مهم آن را عمیق‌تر ارج خواهیم نهاد. کاوش ما در حقیقت هنوز کامل نشده است. ما تنها چند پرتو از نور را گرد آورده‌ایم. کسانی که هر روزه شاگردان کلام نیستند، مسائل نظام یهودی را حل نخواهند کرد. آنان حقایقی را که از طریق خدمت معبد تعلیم داده شده است، درک نخواهند کرد. کار خدا به سبب فهمی دنیوی از نقشه عظیم او به مانع برمی‌خورد. حیات آینده معنای قوانینی را آشکار خواهد ساخت که مسیح، در حالی که در ستون ابر مستور بود، به قوم خود عطا فرمود.» Spalding and Magan, 305-306.

آن ادونتیستهایی که نشان وحش را دریافت می‌کنند و زیر پرچم شیطان می‌ایستند، نخست روح نبوت را رد می‌کنند.

در این عبارت، دو گروه وجود دارند: آنان که برای شناخت خداوند پی‌می‌گیرند، همچنان از جسم او می‌خورند و خون او را می‌نوشند، و پیوسته کلام خدا را مطالعه می‌کنند؛ و آنان که چنین نمی‌کنند. تکامل حقیقت به پایان نرسیده است؛ آنان درباره خدمت قدس سخنانی خواهند داشت که هنوز گفته نشده است. آنان بر تغییر تدبیر در زمان مسیح تأکید خواهند کرد، تغییری که پیشاپیش، تغییر در زمان میلریتی را مجسم می‌ساخت و به سوی آن تدبیری اشاره می‌کرد که در آن مسیح از داوری مردگان به داوری زندگان منتقل می‌شود. آنان درباره قدس و این‌که خداوند چگونه حرکات خود را در این تغییرات تدابیر، به وسیله افاضه روح خویش، مشخص می‌سازد، سخنانی خواهند داشت.

چند نقل قول دیگر، و تقریباً کارمان به پایان رسیده است.

آن دسته از ادونتیستهای روز هفتم که ندای نیمه‌شب را رد می‌کنند، از مسیر منحرف می‌شوند و هدایت‌های خداوند و تعلیمات اعتقادی‌ای را که تاریخ ندای نیمه‌شب را پدید می‌آورد، مردود می‌شمارند. این همان چیزی است که باید از آن بترسیم—رد کردن آن تعلیمات و درک نکردن آن تجربه. با چنین کاری، ما روح نبوت را رد می‌کنیم.

خواهر وایت مَهر تأیید خود را بر ۲۵۲۰ می‌نهد. ما نشان خواهیم داد که او چگونه مَهر تأیید خود را بر دیگر حقایق نمودار ۱۸۴۳ نیز می‌نهد.

در پایان جهان، هنگامی که همه این‌ها در تاریخ ما به نقطه اوج انجیل جاودانی برسد، ادونتیسیم با آن فرایند آزمون سه مرحله‌ای روبه‌رو خواهد شد که از پیش به صورت نمادین ترسیم شده بود، چنان‌که در تجربه ویلیام میلر دیده می‌شود.

ویلیام میلر سه اشتباه مرتکب شد: (1) او فریاد نیمه‌شب را رد کرد و از مسیر به سوی دنیای شریر زیرین سقوط کرد. (2) پس از آن، به نفوذ انسانی، یعنی جاشوا هایمز، اعتماد کرد. (3) سبت را رد کرد.

این پرسش مطرح شد: «آیا او سبت را رد کرد یا قدس را؟» تعلیمی که در آن دوره از قدس روی زمین به قدس در آسمان تغییر یافت، ممکن است به‌طور کامل از سوی میلر درک نشده باشد. هنگامی که الن وایت به درون قدس‌الاقداص هدایت شد، او ده فرمان را در صندوق عهد دید، و فرمان سبت هاله‌ای مقدس پیرامون خود داشت.

آنچه میلر رد کرد، شریعت خدا بود—سبت. پس، میلر ندای نیمه‌شب را رد کرد، سپس بر بشر تکیه نمود، و آنگاه نشان وحش را دریافت کرد. این در پایان جهان تکرار می‌شود.

شهادت‌ها، جلد ۵، صفحه ۲۱۱: «در اینجا می‌بینیم که کلیسا—مقدس خداوند—نخستین جایی بود که ضربه غضب خدا را احساس کرد. پیران قدیم، همان کسانی که خدا به آنان نور عظیم بخشیده بود و به‌عنوان پاسداران مصالح روحانی قوم ایستاده بودند، به امانت خود خیانت کرده بودند.» او در حال اظهار نظر درباره حزقیال ۸ و ۹، یعنی مهر زدن، است. خواهر وایت می‌گوید که مهر زدن در حزقیال ۹ همان مهر زدن است که در مکاشفه ۷ آمده است. او درباره دوره زمانی مهر زدن ۱۴۴,۰۰۰ سخن می‌گوید. او می‌گوید کسانی که می‌بایست پاسداران باشند، به امانت خود خیانت کرده بودند.

«آنان این موضع را اتخاذ کرده بودند که لازم نیست ما در پی معجزات و ظهور آشکار قدرت خدا، همچون روزهای گذشته، باشیم. زمان‌ها تغییر کرده است.» نخستین خطای ایشان این بود که در برابر ندای نیمه‌شب ایستادند و گفتند: «آنچه در این تاریخ ندای نیمه‌شب رخ داد، تکرار نمی‌شود.»

آنان از راه فرو می‌افتند.

«این سخنان بی‌ایمانی ایشان را استحکام می‌بخشد، و می‌گویند: خداوند نه نیکی خواهد کرد و نه بدی. او بیش از آن رحیم است که قوم خود را در داوری مجازات کند. بدین‌سان، «سلامتی و ایمنی» فریادی است از مردانی که دیگر هرگز آواز خود را چون کرنا برنخواهند افراشت تا تعدیات قوم خدا و گناهان خاندان یعقوب را به ایشان بنمایانند. این سگان گنگی که نمی‌خواستند پارس کنند، همان کسانی‌اند که انتقام عادلانه‌ی خدای آزرده را احساس خواهند کرد. مردان، دوشیزگان، و کودکان خردسال، همگی با هم هلاک می‌شوند.» شهادت‌ها، جلد ۵، ۲۱۱.

ارمیا، در سخن گفتن درباره‌ی دومین ناکامی ویلیام میلر، گفت: «خداوند چنین می‌فرماید: ملعون است کسی که بر انسان توکل کند، و بشر را بازوی خود سازد، و دلش از خداوند منحرف شود.» ارمیا 17:5 (KJV). اگر بر انسانی توکل کنید، دل شما از خداوند منحرف می‌شود.

نخستین مردود شدن در پایان، فریاد نیمه‌شب است، تکراری از ظهور قدرت خدا. دومی، تکیه بر جسم است. سومی، قانون یکشنبه است.

فقط دو طبقه می‌توانند وجود داشته باشند. هر گروه به‌وضوح مَهر خورده است، یا با مَهر خدای زنده، یا با نشان وحش یا تصویر او. هر پسر و دختر آدم، یا مسیح را به‌عنوان پیشوای خود برمی‌گزیند یا باراباس را. و همه آنان که خود را در جانب بی‌وفایان قرار می‌دهند، زیر پرچم سیاه شیطان ایستاده‌اند، و به رد کردن و اهانت‌آمیز به‌کار بردن مسیح متهم‌اند. آنان متهم‌اند که عمداً خداوند حیات و جلال را مصلوب می‌کنند. ریویو اند هرالد، ۳۰ ژانویه ۱۹۰۰.

یک چیز قطعی است: آن دسته از ادونتئیست‌های روز هفتم که جایگاه خود را زیر پرچم شیطان می‌گیرند، نخست اعتماد خویش را به روح نبوت و خواهند گذاشت.

ادونتئیسم همان فرایند سه‌مرحله‌ای آزمونی را تکرار می‌کند که ویلیام میلر در آن ناکام ماند. اما فرشتگان در انتظارند تا میلر را برخیزانند و او را به خانه، نزد نجات‌دهنده‌اش، ببرند. برای ادونتئیست‌هایی که نشان وحش را دریافت می‌کنند، آن فرشتگان، فرشتگانی نیستند که در انتظار ایشان باشند.

بارها و بارها به من نشان داده شده است که تجربیات گذشته قوم خدا را نباید چون حقایقی مرده به شمار آورد. ما نباید ثبت این تجربیات را چنان تلقی کنیم که گویی با یک سالنامه سال گذشته سر و کار داریم. این ثبت باید در ذهن نگاه داشته شود، زیرا تاریخ خود را تکرار خواهد کرد.» Publishing Ministry, 175.

چرا باید فریاد نیمه‌شب را به یاد داشته باشیم؟ زیرا تاریخ تکرار خواهد شد. در این تاریخ، پیامی که سبب غربالگری خواهد شد، 2520 و 2300 است؛ به سبب این امر، مردم را از کلیساها بیرون خواهد راند.

اما آیا این تاریخ، فریاد نیمه‌شب، واقعاً قرار است تکرار شود، یا صرفاً بخشی از تاریخ است؟ به این نقل‌قول بعدی توجه کنید:

جهانی هست که در شرارت، در فریب و گمراهی، در خود سایه مرگ آرمیده است—خفته، خفته. چه کسانی درد جان می‌کشند تا آنان را بیدار سازند؟ کدام صدا می‌تواند به آنان برسد؟ ذهن من به آینده برده شد، آنگاه که علامت داده خواهد شد: «اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون روید.» اما برخی در به‌دست آوردن روغن برای پر کردن چراغ‌های خود تأخیر کرده‌اند، و بسیار دیر درمی‌یابند که سیرت، که به‌وسیله روغن نمودار شده است، قابل انتقال نیست.» ریویو اند هرالد، ۱۱ فوریه ۱۸۹۶.

این تاریخ فریاد نیمه‌شب، به دقیق‌ترین وجه، دوباره تکرار می‌شود.

این وایت درک می‌کرد که ۲۵۲۰ یک نبوت زمانی معتبر بود و خداوند از آن استفاده کرد تا زمان تأخیر را پدید آورد؛ همان نومییدی‌ای که تجربه‌ای را به وجود آورد که مردان و زنان را آماده ساخت تا به وسیله ایمان، همراه با مسیح، به قدس‌الاقداس گام نهند.

ما هنوز نکوشیده‌ایم که 2520 را از کتاب مقدس اثبات کنیم. در این بررسی دو لوح حبقوق، نخست می‌خواهیم روشن سازیم که الن وایت این آموزه‌ها را که امروزه از سوی ادونتیس‌م مردود شمرده می‌شوند، تأیید می‌کند؛ سپس به مطالعه کتاب مقدسی خواهیم پرداخت.